

فرهنگ مهدویت و جهانی شدن

سعید ملکی *

مرتضی امید پور **

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۸/۲۵

تاریخ تأیید مقاله: ۹۲/۱۱/۱

چکیده:

جهانی شدن، از مفاهیمی است که در حوزه‌های مختلف، همچون: حوزه سیاست، اقتصاد و فرهنگ، بررسی شده و از مهم‌ترین حوزه‌های آن، حوزه فرهنگ است. فرایند جهانی شدن، هم اجتماعی است، هم اقتصادی، هم سیاسی و هم فرهنگی؛ بنابر این، تأکید بر هر کدام از جنبه‌های این فرایند، به تعریف‌ها و مفهوم‌سازی‌های خاص می‌انجامد. به علت وقوع تغییرات گسترده و تحولات در عرصه‌های گوناگون اقتصاد، ارتباطات، روابط بین‌الملل و تأثیر بسزای این عوامل نمی‌توان پدیده جهانی شدن را نادیده گرفت و باید هوشمندانه به بررسی ابعاد مختلف آن پرداخت. شناخت جامع از این فرایند، تنها از طریق بررسی همه‌سویه آن امکان‌پذیر است. در اسلام به ویژه در مکتب تشیع، توجه به آینده و تشکیل حکومت جهانی واحد بر اساس قسط و عدل تحت رهبری امام معصوم(ع) جایگاهی ویژه دارد. این مسئله در تاریخ اسلام به نام مهدویت مطرح شده و رشد و بالندگی و بقای شیعه در ورای این حقیقت بزرگ نهفته است. هدف این مقاله، شناخت ابعاد گوناگون حکومت جهانی مهدوی و فرایند جهانی شدن است.

واژگان کلیدی: مهدویت، جهانی شدن، فرهنگ، حکومت جهانی، ارتباطات.

مقدمه

اعتقاد به ظهور منجی و مهدویت در معنای عام خود، یک باور دینی فراگیر در بین انسان‌هاست. در ادیان مختلف چنین اعتقادی به نحو ملموس و بارزی تجلی یافته و منجی با تعابیر مختلفی چون: «کالکی» در آیین هندو، «مسیحا» در یهود و مسیحیت، «سوشیانت» در زرتشت و در نهایت، «حضرت مهدی (عج)» در فرهنگ اسلامی یاد شده است. (توفیقی، ۱۳۸۷: ۱۲۰)

چنین تعابیر و باورهایی با وجود تفاوت‌های خاص خود، در تأکید بر ظهور یک منجی برای گشودن راه جدیدی فراروی انسان در جهت نیل به سعادت ابدی، مشترکند. از این رو، مهدویت و منجی‌گرایی، دغدغه تمامی انسان‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی بوده و در روزگار ما نیز که انسان معاصر دچار بی‌عدالتی‌ها و ظلم در عرصه جهانی است، این مسئله حایز اهمیت است. در سده بیستم، شاهد رویدادها و رخدادهایی هستیم که از ۳۰ سال پیش به این سو، مفهوم جهانی‌شدن را در محل و موضوع تفکر و اندیشه قرار داده است. بدیهی است آگاهی از تغییرات، الزامات و راهکارهای موجود در فرایند جهانی‌شدن از ابعاد گوناگون آن، برای تمام مردم ایران که دارای فرهنگ ناب اسلامی و انقلابی و تاریخ پربر ایرانی می‌باشند، ضرورتی انکارناپذیر است.

جهانی‌شدن^۱ پدیده‌ای است که به سرعت در تمام ابعاد و زوایای بشری در حال نفوذ و گسترش است. به عبارت دیگر؛ جهانی‌شدن جنبه‌های مختلف زندگی انسانی (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جهانی‌شدن ضمن تأثیرگذاری بر پدیده‌های مختلف، از آنها نیز تأثیر می‌پذیرد. به عبارت دیگر؛ پیشرفت‌های فناوری و ظهور شبکه‌های رایانه‌ای^۲ و اینترنت و ماهواره‌های مخابراتی، باعث شده است که جهانی‌شدن نیز با سرعت و به نمونه‌هایی متنوع‌تر بر زندگی جوامع انسانی تأثیر بگذارد و با درنوردیدن مرزهای ملی و جغرافیایی، امکان ارتباط سریع بین افراد جوامع را فراهم کند.

یکی از مسائل محوری و عمده که از بدو شکل‌گیری نظریه جهانی‌شدن، اذهان بسیاری را به خود مشغول داشته و به موضوع مرکزی نظریه پردازان این حوزه تبدیل شده، پیدایی هویت‌های عام و همگون در جهان است. در این مرحله بسیاری از این

1. Custom
2. Globalization
3. Computer Network

نظریه پردازان با تعبیر متفاوتی از تأثیرات همگون ساز و یکنواخت کننده هویتی و فرهنگی جهانی شدن سخن می گفتند. از این منظر، جهانی شدن به معنای آمریکایی شدن و غربی شدن، صرفاً محدود به حوزه های اقتصادی یا سیاست نمی شود، بلکه حوزه فرهنگی و اجتماعی را نیز در بر می گیرد. (کچوئیان، ۱۳۸۴: ۲۵۲)

در این مقاله به بررسی و مقایسه جهانی شدن کنونی با جهانی سازی مهدوی، ویژگی ها و مبانی این دو الگو می پردازیم.

فرهنگ مهدویت

در بینش اسلام، آیات قرآن و احادیث معصومان، تشکیل حکومت جهانی مطرح است، اما نه به این معنا که ملت ها و اقوام دیگر وجود خارجی نداشته باشند یا ماهیت آنها از نظر بینش اسلامی زیر سؤال رود. از این رو، هر چند اسلام تشکیل امت واحد جهانی مهدوی را نوید داده است، اما آن را منوط به نابودی ملت ها نمی داند، بلکه معیار امت واحد از نظر اسلام، داشتن عقیده توحیدی است. اسلام به جامعه جهانی با حفظ ملیت های مختلف معتقد است، نه حذف آن ملیت ها. (صوفی آبادی، ۱۳۸۳: ۱۰۹)

در روایات و احادیث اسلامی، فرهنگ در عصر جهانی شدن مهدوی، هم به اشتراکات توجه دارد، هم به تفاوت های فرهنگی و این در حالی است که هیچ کدام را برای رسیدن به دیگری از سر راه بر نمی دارد؛ زیرا از طرفی، تنوع و تفاوت فرهنگی باعث نشاط جامعه می شود و از طرف دیگر، حذف این تفاوت های فرهنگی، بازتاب های سیاسی و اجتماعی انکارناپذیری در جامعه دارد. همچنین وجود عناصر وحدت بخش فرهنگی در جامعه، سبب می شود همه افراد در یک مسیر دارای انسجام و همبستگی اجتماعی گام بردارند. (ربانی، ۱۳۸۸: ۱۹۲)

در روزگار جهانی شدن مهدوی، در زیرساخت ها که جهان بینی باورها، ارزش ها و هنجارها را شامل می شود، نوعی همسانی یا وحدت فرهنگی وجود دارد؛ زیرا ویژگی های این جامعه عبارت است از فراگیری اموری مانند جهان بینی الهی و توحیدی، هنجارهای اسلامی دینی و هنجارهای اخلاقی. در دوره ظهور حضرت مهدی (عج)، یکپارچگی و یگانگی واقعی که همان جهان بینی الهی و توحیدی است، بر همه جوامع حاکم خواهد شد. بر اساس این جهان بینی، ارزش ها و هنجارهای اسلامی در تمام فرهنگ ها وجود خواهد داشت. راه و روش او که بر عدل و حق استوار است، با فطرت و سرشت انسان ها نیز هماهنگ و سازگار است و همگان زیر پرچم



توحید و ایدئولوژی اسلامی و دین واحد گرد می آیند. (ربانی، ۱۳۸۸: ۲۰۴)

ویژگی های جامعه جهانی حضرت مهدی (عج)

۱. رشد علم و آگاهی

در زمان ظهور حضرت مهدی (عج)، بشر چنان در پی فراگیری علم و دانش خواهد بود که امام باقر (ع) در این زمینه می فرماید: در زمان حضرت مهدی (عج) به همه شما حکمت و علم بیاموزند تا آنجا که زنان در خانه ها با کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) قضاوت کنند. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲: ۳۵۲)

۲. فراگیر شدن جهان بینی الهی توحیدی

یکی دیگر از ویژگی های عصر ظهور، فراگیر شدن اصل توحید و ایمان به وحدانیت خداوند است. در این باره در بخشی از کلام امام محمدباقر (ع) آمده است: به خدا سوگند حضرت مهدی (عج) و یارانش می جنگند تا اینکه خداوند به یگانگی خوانده شود و هیچ شریکی برای او قرار نگیرد. (همان: ۳۴۵)

۳. فراگیری هنجارهای اسلامی دینی

حضرت علی (ع) در این باره می فرماید: به هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) مردم به کارهای عبادی و شرعیات و دینداری و نماز جماعت ها روی می آورند و کسی باقی نمی ماند که به خاندان پیامبر (ص) کینه و دشمنی ورزد. (همان: ۴۷۴)

۴. فراگیری هنجارهای اخلاقی

از ویژگی های عصر ظهور، فراگیری هنجارهای اخلاقی در جامعه مهدوی است. حضرت علی (ع) در این باره می فرماید: هنگامی که قائم ما قیام می کند، کینه های بندگان نسبت به یکدیگر از دلهايشان زدوده می شود. (همان: ۳۱۶)

همچنین در این باره بیان شده است زمانی که حضرت مهدی (عج) قیام می کند، خداوند غنا و بی نیازی را در دل بندگان می نهد؛ به گونه ای که حضرت اعلام می کنند هر کس به مال و ثروت نیاز دارد بیاید، ولی کسی برای آن پیشقدم نمی شود.

ضرورت تشکیل حکومت جهانی

وضعیت و نمای کلی جهان، نشانگر این است که خطر جنگ، فقر، نابرابری، پرخاشگری،



سودجویی، ظلم و فساد و ... جهان را کاملاً تهدید می‌کند. حالت کنونی مردم جهان، که در ترس و التهاب به سر می‌برند، کانون اساسی فکری برای تشکیل حکومت واحد جهانی و مایه از بین رفتن هر نوع اختلاف و زایل شدن اسباب جنگ‌های خانمان‌سوز است. در سایه چنین حکومتی است که بشر، به سعادت و عزت می‌رسد و مردم جهان از نعمت‌های الهی و موهبت‌های طبیعی به طور مساوی استفاده می‌کنند. (کارگر، ۱۳۸۷: ۵۳)

بخش بزرگ تضادها، کشمکش‌ها، استضعاف‌ها و استکبارها در کل جامعه بشری، از حکومت‌ها و درون کاخ‌ها سرچشمه گرفته و به دست دولت‌ها و حکمفرمایان، در میان انسان‌ها گسترش می‌یابد. اینان برای گسترش قدرت و استوارسازی بیشتر پایه‌های حکومت خود، به جذب منافع بیشتر دست می‌اندازند و تضاد و درگیری به وجود می‌آورند که نتیجه آن، جنگ‌ها و ویرانی‌های بسیار و انواع ظلم‌ها و ستم‌ها، بهره‌کشی و سلب آزادی‌های فردی است. با تأملی نسبت به آینده بشر و خصومت‌هایی که میان ملت‌های مختلف پدید آمده، که مانند آتش زیر خاکستر، آبستن فجایی در آینده بشریت است و به خصوص با طرح نظریه برخورد تمدن‌ها که از سوی برخی روشنفکران آمریکایی، از جمله هانتینگتون^۱ ارائه شده، درمی‌یابیم که چه خطر بزرگی جامعه بشری را تهدید می‌کند.

استاد مطهری این بحث را به عنوان تکامل تاریخ و سیر آن به سوی تحقق جامعه واحد جهانی مطرح می‌کند و می‌فرماید: باید گفت جامعه و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به سوی یگانه شدن، متحدالشکل شدن و در نهایت امر، در یکدیگر ادغام شدن سیر می‌کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی واحد تکامل یافته‌ای است که در آن، همه ارزش‌های انسانیت به فعلیت می‌رسد و انسان به کمال حقیقی و سعادت واقعی خود و بالأخره انسانیت اصیل خود خواهد رسید. (رضوانی، ۱۳۸۱: ۱۰۵)

اسلام از همان ابتدا با قاطعیت تمام به عنوان وعده‌ای الهی، از آینده‌ای بسیار روشن و درخشان خبر داده است که با تکامل فکری و عقلی بشر، جامعه‌ای کامل و پاک به نام جامعه مهدوی در ابعاد جهانی تشکیل خواهد شد.

جهانی شدن و فرهنگ مهدویت

مهدویت به عنوان مدینه فاضله اسلامی و ظهور منجی موعود (عج)، تدبیری الهی



است تا آمال و آرزوهای بشریت در طول قرن‌ها تحقق یابد. تحقق چنین عصری، مستلزم آماده بودن زمینه‌ها و شرایط لازم است. بدین جهت است که مهدویت اسلامی می‌تواند با پدیده‌ای به نام جهانی‌شدن ارتباط پیدا کند.

در بینش اسلامی، تشکیل حکومت جهانی وجود دارد؛ اما به این معنا نیست که ملت‌ها و اقوام و آیین‌های دیگر، وجود خارجی نداشته باشند. اسلام تشکیل امت واحد جهانی - اسلامی را نوید داده است؛ اما آن را به از بین رفتن و نابودی ملت‌ها منوط نمی‌کند؛ حتی زمانی که اسلام در اوج قدرت بود، در صدد نابودی ملت‌ها و تبدیل آنها به امت واحد، از نظر آداب و رسوم و سایر ویژگی‌ها نبوده است. معیار امت واحد از نظر اسلام، داشتن عقیده توحیدی است. اسلام به جامعه جهانی با حفظ ملیت‌های مختلف منوط است، نه حذف ملیت‌های مختلف (صوفی‌آبادی، ۱۳۸۰: ۱۰۹)؛ اما این تنوع و تکثر، از نوع پلورالیستی نیست؛ بلکه از نوع وحدت در عین کثرت است که راهبرد سوم در بحث فرهنگ بود؛ یعنی در عین تنوع، یک وحدتی نیز باید مشاهده شود و جامعه باید در عین اینکه یک مشترکاتی دارد، که این مشترکات، خود عامل انسجام در بین افراد جامعه می‌شود، در عین حال بر تنوع و تکثر فرهنگی هم تکیه کند و درصدد حذف خرده‌فرهنگ‌ها و تفاوت‌های فرهنگی نباشد. با توجه به آموزه‌های دین اسلام، فرهنگ در عصر جهانی‌شدن مهدوی، فرهنگی است که هم به اشتراکات توجه دارد و هم به تفاوت‌های فرهنگی و هیچ کدام فدای دیگری نمی‌شوند؛ زیرا هم تنوع و تفاوت فرهنگی باعث نشاط و زیبایی یک جامعه می‌شود و حذف تفاوت‌های فرهنگی در جامعه، بازتاب‌های سیاسی و اجتماعی خواهد داشت و هم عناصر وحدت‌بخش فرهنگی باید در جامعه باشد که همه افراد جامعه در یک مسیر و دارای انسجام و همبستگی اجتماعی باشند.

چنان که گذشت، جهانی‌شدن تعابیر و تفسیرهای مختلفی دارد. همچنین جهانی‌شدن را در ابعاد مختلفی می‌توان مد نظر قرار داد. در سنجش نسبت مهدویت اسلامی با پدیده جهانی‌شدن، توجه به این تمایزات ضرورت دارد. بدون تردید، مهدویت اسلامی با برخی از قرائت‌های جهانی‌شدن سازگاری ندارد. از این رو، تفکیک این مفاهیم و تفاسیر جهانی‌شدن را با مهدویت اسلامی باید سنجید.

الف) وجوه ناسازگار جهانی‌شدن با مهدویت اسلامی

۱. جهانی‌شدن به معنای پروژه غربی‌سازی: اگر مراد از جهانی‌شدن، غربی‌شدن یا



آمریکایی‌شدن باشد، بدون تردید چنین نگرشی با آموزه‌های دینی از یک سو و اندیشهٔ مهدویت اسلامی به عنوان یک حکومت جهانی موعود از سوی دیگر ناسازگار است.

مهم‌ترین وجوه ناسازگاری را می‌توان در مبانی فکری - نظری آنها دانست؛ در حالی که تمدن غربی بر محوریت انسان استوار است، اندیشهٔ اسلامی - مهدوی مبتنی بر محوریت خالق هستی است؛ در حالی که تمدن غربی بر تفکیک دین و سیاست پای می‌فشارد، از نظر اسلام دین و سیاست در هم تنیده‌اند. در حالی که دغدغه تمدن امروز غرب آزادی انسان است دغدغه دین فضیلت و سعادت می‌باشد؛ در حالی که غرب بر خرد خودبنیاد ابزاری استوار است، مهدویت و اندیشهٔ اسلامی بر عقل همسو با وحی و عقل غایت‌مدار مبتنی است؛ در حالی که تمدن غرب بر سیطره و استثمار غیر غرب استوار است، مهدویت اسلامی بر عدل و رهایی‌بخشی تمامی انسان‌ها مبتنی است. با چنین تمایزاتی، ناسازگاری مهدویت اسلامی با این تفسیر از جهانی‌شدن آشکار خواهد بود.

۲. جهانی‌شدن به معنای سیطرهٔ فناوری غرب: وجه دیگری از جهانی‌شدن وجود دارد که با ایدهٔ مهدویت اسلامی ناسازگار است. اگر مراد از جهانی‌شدن، وضعیت فناوری جدید باشد که هم‌اکنون در جهان وجود دارد و غرب با کنترل ابزارهای ارتباطی ماهواره و اینترنت بر آن سیطره دارد، چنین معنایی نیز با ایدهٔ مهدویت اسلامی سازگاری نخواهد داشت. در چنین وضعیتی، هر چند نگاه ابزاری و فرایندی به جهانی‌شدن وجود دارد، اما عملاً با تفسیر نخست همسان خواهد بود و نتیجهٔ آن، سیطرهٔ فرهنگ و تفکر غربی خواهد بود.

۳. جهانی‌شدن اقتصاد سرمایه‌داری غربی: اگر جهانی‌شدن صرفاً از منظر اقتصادی مدّ نظر قرار گیرد و مراد از آن، سیطره و گسترش نظام سرمایه‌داری غربی باشد؛ در چنین صورتی نیز جهانی‌شدن با مهدویت اسلامی سازگار نخواهد بود. دلیل این امر آن است که اولاً سرمایه‌داری غربی صرفاً بر کسب سود بیشتر مبتنی است و در نتیجه موجب ظلم و ستم بر جامعه جهانی است و از سوی دیگر، صرفاً نگاه مادی - اقتصادی دارد و غایت آن سود و منافع اقتصادی است؛ در حالی که اقتصاد از منظر اسلامی صرفاً تأمین‌کنندهٔ نیازهای بشری برای تکامل و نیل به سعادت است. ضمن اینکه، ایدهٔ عدل و داد در مهدویت اسلامی با سیطرهٔ صاحبان زر و زور ناسازگاری دارد و آن حضرت (عج) خود با آن مقابله خواهد کرد.

ب) قرائت سازگار جهانی شدن با مهدویت اسلامی

امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: در زمان قائم (عج) مؤمنی که در شرق است، برادر خود را که در مغرب است، خواهد دید و نیز مؤمنی که در مغرب است، برادر خویش را در مشرق می‌بیند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲: ۳۳۶). همچنین آن حضرت در بیان رمزی دیگری می‌فرماید: زمانی که قائم (عج) ظهور کند، خداوند گوش‌ها و چشمان شیعیان ما را به گونه‌ای تقویت می‌کند که میان آنان و قائم (عج) نیازی به پیک نیست. آن حضرت با آنان سخن می‌گوید و آنها سخن او را می‌شنوند و در حالی که وی در جایگاه خویش قرار دارد، او را می‌بینند. (همان)

هر چند در چنین تعبیری از ائمه معصومین (ع)، احتمال اعجاز در عصر ظهور و طریق غیر عادی ارتباطی وجود دارد و نمی‌توان آن را ناممکن دانست؛ اما با توجه به سنت الهی در جریان امور طبق اسباب خویش به نظر می‌رسد چنین تعبیری بیشتر بر بعد ارتباطی ناظر است که حداقل چشم‌اندازی از آن برای ما در عصر فناوری ارتباطات حاصل شده است.

ظرفیت‌های مهدویت اسلامی در عصر جهانی شدن

مفهوم جهانی شدن را می‌بایست از تعبیر و تفاسیر موجود تخلیه کرد تا بتوان از آن در جهت فهم مهدویت و عصر ظهور استفاده کرد. دو نکته را در این زمینه می‌بایست مورد توجه قرار داد:

نخست اینکه، در سنجش نسبت جهانی شدن و مهدویت اسلامی نباید بر وضعیت فعلی جهانی شدن که به دلیل سیطرهٔ هژمونیک غرب نامطلوب است، بسنده کرد؛ بلکه باید فراتر رفته، چشم‌اندازهای فراخ‌تری را با نگرشی فلسفی و ماهوی به این پدیده مشاهده کرد. از این رو، نباید با استناد به برخی عوارض کنونی جهانی شدن که پذیرش آن بر انسان مؤمن متعهد سخت است، حکم به ناهمسازی این دو مفهوم کرد. چنان‌که همسان‌انگاری عامیانهٔ این دو مفهوم نیز، چنانکه برخی بدان مبتلا هستند، خود دچار آفت دیگری است.

دوم اینکه، مهدویت اسلامی با ویژگی جهان‌دینی و جهان‌وطنی خود، محتوای نرم‌افزاری مناسب و منحصر به فردی برای وضعیت تصور شده است. هنگامی که سخن



از امکان تحقق جهانی شدن مطرح می‌شود، اگر صرفاً ایدئولوژی‌ها و مکاتب بشری را مد نظر قرار دهیم، چنین جهانی شدن مبتنی بر جهان‌گرایی و جهان‌وطنی موجود در این مکاتب، به دلیل معضلات درونی خویش دچار وضعیت امتناع خواهند بود و هر چند همانند تفکر لیبرال دموکراسی غربی موجود خواهند بود را چند روزی بر این موج سوار کنند؛ اما در نهایت، همسان کف از بین خواهند رفت و قابل دوام نیستند. تنها مظلوف و محتوای مناسب چنین وضعیتی مکتب سازگار با ویژگی‌های فطری انسانها است که به یقین در آموزه مهدویت اسلامی، به عنوان تدبیری الهی برای پایان تاریخ، نهفته است. جهانی شدن فرهنگ مهدویت اسلام با پدیده جهانی شدن کنونی، هم در تعریف و هم در اهداف و روش‌ها، تفاوت‌های بنیادی دارد. جهانی شدن فرهنگ مهدویت اسلامی با الگوی جهانی‌سازی غربی، که بر پایه امپریالیسم و نئولیبرالیسم است، از چند جهت تفاوت دارد:

۱. جهانی‌سازی غرب بر مبانی و زیرساخت‌ها و اصول فکری و فلسفی تمدن غرب شکل گرفته است. این مبانی عبارتند از:
 - (الف) تکیه بر عقلانیت بشری و علم اثبات‌گرایانه؛
 - (ب) اومانیسیم (انسان‌محوری)؛
 - (ج) لیبرالیسم (تأکید بر آزادی مطلق انسان)؛
 - (د) سکولاریسم (تأکید بر استغناء بشر از دین).
 در مقابل، مبانی جهانی‌سازی اسلامی (مهدوی) عبارتند از:
 - (الف) فطرت‌گرایی؛
 - (ب) ارج نهادن به عقل و علم؛
 - (ج) اعتقاد به وجود رابطه جهان هستی با مبدء؛
 - (د) غایتمندی نظام آفرینش و به ویژه انسان؛
 - (ه) اصل قانونمندی نظام تکوین و تشریح (اصالت تشریح و اصالت دین)؛
 - (و) استمرار و تداوم نظام هدایت و رهبری الهی؛
 - (ز) اصل کرامت الهی انسان؛
 - (ح) اصل حاکمیت ارزش‌های الهی؛
 - (ط) اصل آزادی و حق حیات و بهره‌مندی همه انسان‌ها از مواهب طبیعی؛

ی) اصل عزتمندی و شرافت و نفی سلطه دیگران؛

ک) اصل حق انتخاب راه و حق رشد و تعالی که از لوازم اصل کمال طلبی فطری است.

۲. الگوی جهانی شدن اسلام مبتنی بر ارزش‌های الهی و اخلاقی و معیارهای عقلانی است. اسلام به عنوان یک دین کامل و یک نظام جامع، تعالیم خود را مبتنی بر فطرت، اعتقاد به حاکمیت خداوند، خداواری، حاکمیت ارزش‌های معنوی، امامت و رهبری صالحان، عقلانیت و علم، کرامت انسانی، عدالت‌گستری، تحقق صلح و امنیت و حقوق فطری بشری بنا نهاده است. هدف بنیادین جهانی شدن اسلام و جهانی‌سازی مهدوی، تکامل همه‌جانبه انسان‌ها و بسط معارف توحیدی و از بین بردن تمامی موانع رشد و کمال بشری و تحقق ارزش‌های والای انسانی و تأمین امنیت و عدالت و صلح و برابری و محبت و نفی تمامی مظاهر فساد و کفر و شرک و ظلم است. این آموزه‌ها جزء عناصر جوهری جهانی شدن اسلام است که زمینه مقبولیت جهانی اسلام و پویایی و تداوم این مذهب را تضمین می‌کند. علاوه بر این، طبق وعده الهی، سرانجام این تعالیم و ارزش‌ها در سراسر جهان بسط و گسترش خواهند یافت و بر ارزش‌های باطل و منحط فرهنگ‌های شیطانی پیروز خواهند شد.

فرهنگ غرب که بر مبنای ارزش‌های غیر دینی و سکولاریستی و مادی‌گرایانه شکل گرفته است، به دلیل مبانی خاص فکری و فلسفی خود، هرگز نمی‌تواند تأمین‌کننده نیازهای واقعی انسان‌ها به حقیقت، عدالت، معنویت، امنیت و صلح باشد و از این نظر، جهانی شدن غرب لزوماً به بهتر شدن وضعیت زیست جهان و تأمین امنیت و تحقق عدالت و صلح نمی‌انجامد.

جهانی شدن بر اساس فرهنگ مهدویت اسلامی، هرگونه سلطه‌گرایی و استعمارگری و استثمارشدگی و بی‌عدالتی و نابرابری و تبعیض را نفی می‌کند؛ در حالی که جهانی شدن غربی با تحمیل و اجبار الگوهای خود بر سایر فرهنگ‌ها و جوامع، درصدد سلطه بر همه جهان است. جهانی شدن فرهنگ مهدویت اسلامی مبتنی بر گرایش‌های فطری و منطبق با عقلانیت و ارزش‌های انسانی بوده، با آزادی و انتخاب آگاهانه صورت می‌گیرد.

(تسخیری و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۱۶)

۳. نماد بارز جهانی شدن غرب، تحمیل الگوی معینی از حیات است که بر مبنای



تفکر سکولاریستی غرب شکل می‌گیرد. چنین الگویی از جهانی شدن، به معنای تحمیل سلطه همه‌جانبه غرب است که نتیجه و دستاورد نهایی آن، استضعاف بیشتر مردم و الحاد و رواج فساد اخلاقی و اجتماعی و بی‌عدالتی و فقر و تبعیض و استثمار است.

۴. موج کنونی جهانی شدن، بی‌هدف و کنترل نشده و غیر نظام‌مند و سریع و کلی و غیرمذهبی است و از این‌رو، مخاطرات و پیامدهای آن تا حد زیادی غیر قابل پیش‌بینی است و همه فرهنگ‌ها و ملت‌ها، از جمله مسلمانان را در معرض چالشی بزرگ و تهدیدکننده قرار می‌دهد؛ در حالی که جهانی شدن اسلامی منجر به نابودی زبان‌ها و نقاط مثبت و عقلانی فرهنگ‌های بومی نمی‌شود.

۵. رویکرد «جهانی شدن کنونی» در جهت تخریب محیط زیست، ترویج فرهنگ مصرف و نابودی فرهنگ‌های محلی و بومی است و در جهت منافع بیشتر و گسترش شرکت‌های چندملیتی و در دست گرفتن کل سرمایه‌های جهان است. اما در مقابل، فرهنگ مهدویت اسلامی، علم و فناوری و صنعت و اقتصاد را در خدمت بشریت قرار می‌دهد و زمینه استثمار و استعمار و ظلم و تبعیض و بی‌عدالتی را از بین می‌برد. فرهنگ مهدویت اسلام در این جهت نیز با جهانی شدن همسویی ندارد.

جهانی شدن در حال رخ دادن است و انکار و جدا کردن خود از آن، امکان‌پذیر نیست و نتیجه‌ای جز لطمه خوردن بیشتر به همراه نخواهد داشت. اما چاره چیست؟ در برابر این روند، چه اقدامی می‌توان انجام داد؟ بی‌گمان، کشورهای غربی دارای امکانات مادی زیادی‌اند و قدرت مادی در اختیار آنهاست. اما این به تنهایی نمی‌تواند سلطه آنها را تضمین کند.

امروزه؛ میزان آگاهی‌های افراد به هویت‌های سنتی خود افزایش یافته و کوشش کشورهای غربی، به ویژه آمریکا، برای تسلط بر کشورهای دیگر و ادغام همه فرهنگ‌های جهان در فرهنگ غربی مبتنی بر سکولاریسم و لیبرال - دموکراسی، نتیجه‌ای وارونه برای آنها به ارمغان آورده است.

ما نیز به عنوان یکی از کشورهای اسلامی، دارای فرهنگی غنی و انسان‌ساز هستیم و باید با بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی، هر چند محدود، به رویارویی با جنبه‌های منفی این روند پردازیم. انقلاب فناوری ارتباطات و اطلاعات، هم تهدید است و هم فرصت. باید بکوشیم تا این تهدید را به فرصت مبدل کنیم. برخورد منفعلانه و

نادیده گرفتن واقعیات جهان، جز افزایش تهدید، ره‌آورد دیگری نخواهد داشت. به عکس، با استفاده از یک سیاستگذاری جامع و جدید برای مدیریت و رهبری امکانات موجود، می‌توان الگوی جدیدی برای رویارویی با سیطره‌طلبی غرب ارائه کرد. بنابر این، بیداری دوباره و بازتعریف وحدت جهان اسلام و تلاش برای طراحی یک برنامه معقول و منطقی برای پاسداری از جایگاه جهان اسلام در سطوح گوناگون نظری و علمی، رمز موفقیت در عصر جهانی‌شدن است.

در بینش اسلامی، تشکیل حکومت جهانی وجود دارد؛ اما به این معنا نیست که ملت‌ها و اقوام و آیین‌های دیگر، وجود خارجی نداشته باشند. اسلام تشکیل امت واحد جهانی - اسلامی را نوید داده است؛ اما آن را به از بین رفتن و نابودی ملت‌ها منوط نمی‌کند؛ حتی زمانی که اسلام در اوج قدرت بود، در صدد نابودی ملت‌ها و تبدیل آنها به امت واحد از نظر آداب و رسوم و سایر ویژگی‌ها نبوده است. معیار امت واحد از نظر اسلام، داشتن عقیده توحیدی است. اسلام به جامعه جهانی با حفظ ملیت‌های مختلف منوط است، نه حذف ملیت‌های مختلف. (صوفی‌آبادی، ۱۳۸۳: ۱۰۹)

پس جهانی‌شدن، فرصت مناسبی برای جهانی‌سازی اندیشه مهدویت با استفاده از تبلیغ سازنده و مثبت است.

نتیجه‌گیری

- از مجموع مطالب پیش گفته می‌توان نتایج ذیل را مورد توجه قرار داد:
۱. از نظر مفهوم‌شناختی، «جهانی‌شدن» دارای ماهیتی متفاوت و متمایز از جهانی‌سازی بوده و از نظر عینی نیز هر کدام لوازم و مقتضیات متفاوتی نیز دارند. این نکته قابل تأمل و توجه جدی است.
 ۲. «جهانی‌شدن» فرایندی طبیعی است که در جهت تحوّل همه‌جانبه علمی، صنعتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پدید آمده است. ولی جهانی‌سازی، طرحی غربی و هدایت شده در جهت گسترش سلطه استعماری غرب بر تمام جهان و امری کاملاً زینبار برای همه ملت‌ها و فرهنگ‌ها و ادیان است و از این‌رو، جهانی‌شدن به عنوان یک فرایند علمی و یک فضای باز، می‌تواند به عنوان یک امکان و فرصت؛ مورد توجه واقع شود و در خدمت تبلیغ و بسط و رقابت همه فرهنگ‌ها، از جمله اسلام به

شمار آید. به همین دلیل، به همان میزان که می‌تواند در خدمت فرهنگ غرب باشد، می‌تواند در خدمت اسلام و سایر فرهنگ‌ها باشد. مسئله مهم در این زمینه، میزان و نوع برخورداری و استفاده از این امکانات و ابزارهای صنعتی جدید برای انتقال پیام‌ها و تولیدات نرم‌افزاری است که باید دید به چه هدفی و برای جهانی کردن کدام فرهنگ مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۳. جهانی‌شدن مهدویت به عنوان یک فرهنگ جامع عقلانی و فطری بر اساس شواهد قرآنی، روایی و تاریخی به صورت قطعی، قابل اثبات است. جهانی‌شدن فرهنگ مهدویت، ویژگی‌ها و تمایزهای اساسی با روند کنونی جهانی‌شدن و جهانی‌سازی دارد. فرهنگ مهدویت فی‌ذاته یک نظام جامع و جهان‌شمول است و جهان‌شمولی و جهان‌نگری آن آموزه‌هایی همچون: یکتاپرستی، نفی ظلم و تبعیض، عدالت‌گرایی و عقلانیت، صلح‌جویی و حقوق بشر، کرامت انسانی، مسئولیت فردی و اجتماعی انسان، تفاهم، برابری، برادری و ارغزاری به علم را ترویج و محقق می‌سازد. همین اصول و ارزش‌های اصیل عقلانی و معنوی زمینه‌های مقبولیت جهانی برای فرهنگ مهدویت ایجاد و پویایی و تداوم این تفکر را تضمین خواهد کرد. از این‌رو، جهانی‌شدن مهدویت از جنبه‌های گوناگون مورد اثبات و تأکید است.

۴. بر فرض چالش اسلام و فرایند جهانی‌شدن و مواجهه اسلام با سایر فرهنگ‌ها، اسلام برتری خود را در زمینه‌های مبانی معرفتی، علمی و فرهنگی حفظ خواهد کرد؛ اما پیروزی و غلبه همه‌جانبه اسلام و جهان‌گستری این دین، مشروط به بهره‌مندی از همه قابلیت‌های نرم‌افزاری و عوامل فنی و سخت‌افزاری است و حق این است که از نظر شرط فاعلی، اراده خداوند به جهانی‌شدن این دین تعلق گرفته است.



منابع

- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۸۰). «در چپستی جهانی‌شدن». *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ش ۳ (پیاپی ۱۳): ۳۸۷-۲۴۰.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۲۳ ق). *الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- تسخیری، محمدعلی و همکاران (۱۳۸۲). «جهان‌شمولی اسلام و جهانی‌سازی». *مجموعه مقالات شانزدهمین کنفرانس وحدت اسلامی*. ۳۱۰-۳۲۱.



- توحیدفام، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ در عصر جهانی شدن. تهران: روزنه.
- توفیقی، حسین (۱۳۸۷). هزاره‌گرایی در تاریخ فلسفه مسیحیت. تهران: موعود.
- چنگیز پهلوان (۱۳۸۰). فرهنگ‌شناسی و گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- دعایی، حبیب‌الله و مرضیه عالی (۱۳۸۴). سازمان‌ها در بستر جهانی شدن. مشهد: بیان هدایت نور.
- دهشیری، اصغر (۱۳۷۹). مدیریت جامع. تهران: مؤسسه مطالعات و برنامه‌ریزی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران.
- ربانی، محمدباقر (۱۳۸۸). جهانی شدن، تنوع یا وحدت فرهنگی جامعه جهانی مهدوی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۱). «فلسفه حکومت عدل جهانی». فصلنامه انتظار، ش ۴: ۱۳۸-۱۱۲.
- سوئیزی، پل و همکاران (۱۳۸۰). جهانی شدن با کدام هدف؟. ترجمه ناصر زرافشان. تهران: آگه.
- شهرام‌نیا، امیرمسعود (۱۳۸۵). جهانی شدن و دموکراسی در ایران. تهران: نگاه معاصر. چ سوم.
- صابری، علی (۱۳۷۹). «نظام مدیریت منابع انسانی». مدیریت و توسعه، ش ۲: ۵۲-۲۸.
- صوفی‌آبادی، محمود (۱۳۸۳). «اسلام، جهانی شدن و پیامدهای فرهنگی آن». اندیشه صادق، ش ۱۹-۱۶: ۱۲۷-۱۰۰.
- کارگر، رحیم (۱۳۸۷). جهانی شدن و حکومت حضرت مهدی. قم: مرکز تخصصی مهدویت، چ سوم.
- کچویان، حسین (۱۳۸۴). «نظریه‌های فرهنگ و جهانی شدن: از رویکرد تا واقعیت». فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۳-۲ (بهار و تابستان): ۲۷۰-۲۴۸.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
- نصری، قدیر (۱۳۸۰). «در چیستی جهانی شدن». فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۳: ۲۴۷-۲۳۲.
- هلد، دیوید و آنتونی مک‌گرو (۱۳۸۲). جهانی شدن و مخالفان آن. ترجمه مسعود کرباسیان. تهران: علمی و فرهنگی.
- Fukuyama, Francis (1992). *The End of History & the Last Man*. New York, the free press, pp.42 – 44.
- Peck, James Foreman (1998). *Historical Foundations of Globalization*. Edward Elgar Publishing. P. 25.
- McLuhan. M. (1964). *Understanding Media*. London: Routledge. P. 185.
- Robertson. R. (1992). *Globalization: Social Theory & Global Culture*. London: Sage. P. 8.